



## علم ماهیتی متفاوت با دین دارد

چندی پیش دبیرخانه هم اندیشی اسلامی مستقر در مرکز نوین علوم اسلامی در شهر قم از استاد دکتر رضا داوری اردکانی رئیس فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران برای حضور و سخنرانی در نشست دعوت کرده بود. اما ایشان در این هم اندیشی شرکت نکرد و با صدور پیامی سرگشاده به این دعوت پاسخ داد. داوری اردکانی در این پیام با لحنی صریح تر اعتراض خود را نسبت به بدفهمی های صورت گرفته در باب اسلامی شدن علوم انسانی اعلام کرد. متن نامه رئیس فرهنگستان علوم به این شرح است: باسمه تعالی! دبیرخانه محترم هم اندیشی اسلامی، باسلام و درود، از دعوتی که فرموده اید، تشکر می کنم. متأسفانه من توفیق شرکت در نشست علم دینی و علوم انسانی اسلامی ندارم. کسی را هم نمی توانم به عنوان نماینده معرفی کنم. این بحث چنانکه توجه دارید سی سال است که به نتیجه نرسیده است و به نظر نمی رسد که در آینده نیز به نتیجه ای برسد.

وقتی مطلب سیاسی با مسئله علمی خلط می شود، هر چه بکوشند به نتیجه نمی رسند. علم ماهیتی متفاوت با دین دارد و به این جهت آن را به صفت دینی نمی توان متصف کرد. به عبارت دیگر وصف دینی نمی تواند صفت ذاتی علم باشد، البته وجود علوم دینی محرز است و این علوم در همه جا و به خصوص در کشور ما جایگاه ممتاز دارند اما آنها علوم دینی هستند که مسائلمان مسائل دینی است. علوم فقه و اصول فقه و حدیث و تفسیر و کلام و حتی فلسفه اسلامی در زمره علوم اسلامیند. علم های دیگر هر یک مسائل خاص خود دارند و با رویش خاص به تحقیق و پژوهش در مسائل می پردازند و ملوک درستی و نادرستی شان رعایت رویش است. هیچ علمی را با ملوک بیرون از آن نمی توان سنجید.

چنانکه حکم در باب فقه و حدیث با ملوک و میزان متدولوژی علم جدید اعتبار و وجهی ندارد، البته دین و دینداران می توانند نسبت به مسائل همه علوم و بخصوص علوم معروف به علوم انسانی و اجتماعی نظر انتقادی داشته باشند و پس از مطالعه و آشنایی کافی که البته به آسانی حاصل نمی شود، در مباحث آن علوم چون و چرا کنند اما این چون و چرا در نقد علم است نه اینکه علم تازه باشد. ما هنوز به این مرحله نرسیده ایم.

توجه داشته باشید که علم اجتماعی علم نظم جامعه مدرن است. در سیصد سال اخیر در غرب علوم اقتصاد و تاریخ و حقوق و جامعه شناسی و مردم شناسی و ... به وجود آمده و تحقیقات عظیمی در مسائل آن علوم صورت گرفته است که بی اطلاع وسیع و دقیق از آنها و بدون نقد و تحقیق نمی توان درباره آنها حکم کرد و مثلاً تصمیم گرفت که علم دیگری جانشین آنها شود.

علم اجتماعی جدید با نظم تجدید تناسب دارد. ما اگر نظم دیگری جز نظم تجدید در نظر داریم و به چگونگی قوام و به راه تحقق آن می اندیشیم و برای رسیدن به آن می کوشیم شاید در راه علمی متناسب با نظم تازه قرار بگیریم. در این مورد هم توجه داشته باشیم که علم و جامعه با هم قوام می یابند. جامعه کنونی ما جامعه توسعه نیافته است. این جامعه همه نیازهای جامعه مدرن را دارد، بی آنکه از توانایی های آن برخوردار باشد.

اگر می توانستیم خود را از این وابستگی نجات دهیم و راه رسیدن به جامعه ای را بیابیم که در آن روح دینی یعنی اعتقاد به توحید و عالم غیب و معاد حاکم باشد و مردمانش از سودای مصرف آخرین تکنولوژی های ساخته جهان توسعه یافته آزاد باشند و با همدلی و هماهنگی برای معاش توأم با اخلاق بکوشند، شاید افقی پیش رویمان گشوده می شد.

توجه داشته باشیم که علم یک طرح مهندسی ساختنی نیست، یافتنی است. من حرف دیگری ندارم و چیز دیگری نمی توانم بگویم، جز اینکه خوبست که اگر می توانیم به جای بحث درباره علوم اجتماعی اسلامی، در باب شرایط امکان تجدید عهد دینی و بنای یک جامعه اسلامی بیدیشیم و در این راه به لطف پروردگار علیم امیدوار باشیم.